عبارت عروه الوثقی

- «یجب ان یکون مجتهداً» ؟
- ۱.«یکون مجتهداً...» : ثبوتی
- ۲. وجوب تخییری
- ۳.«یکون مجتهداً...»: حدوثی ـ مورد

«یجب ان یکون مجتهداً» ؟

[1]

> **«يجب على كل مكلف في عباداته و معاملاته أن يكون مجتهداً أو مقلداً أو محتاطا[2]»**

عبارت «**یجب علیه أن یکون**» کونش کون وصفی و ثبوتی است یا کون واقعی و حدوثی؟

---

[1] متن پیش رو، تنظیم مطالبی است که در جلسه اول و دوم مبحث اجتهاد و تقلید عروة الوثقی(سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸) در زمینه جواز تقلید مجتهدین، افاده شده است.

[2]. العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، المحشّی؛ ج1، ص13

۱.«یکون مجتهداً...» : ثبوتی

اگر ثبوتی باشد تحت اختیارش نیست. می‌گوید واجب است بر هر مکلفی در یکی از سه حال باشد؛ یا مجتهد یا مقلد یا محتاط باشد، این دیگر هست. نمی‌شود گفت که واجب است بر یکی از این سه حال باشد. واجب است بر هر مکلفی یا مجتهد باشد که اگر مجتهد است که دیگر هست، اگر هم مقلد است که مقلد هست دیگر. این به چه معناست که واجب است مجتهد یا مقلد باشد؟

۲. وجوب تخییری

- به، یصیر بمعنای بگیریم[1] یعنی مقلد یا مجتهد بشود

همین را عرض میکنم که اگر ثبوتی باشد این اشکال مطرح میشود که تحت اختیارش نیست. اگر آن وجه بخواهد باشد که «أن یصیر» یعنی باید برود زمینه اش را فراهم کند، و این مقداری از عبارت دور میشود.

بیان مستمسک

«أن یصیر مقلّداً» اگر معنا کنیم که آن طور باشد باز هم آن یک وجوبی میشود وجوب مردّد تخییری؛

که ظاهراً مرحوم آقای حکیم که فرمودهاند: «**الوجوب التخییری المذکور**[2]»، «**کون**» را هم به این معنا زدهاند و الاّ وجوب تخییری نیست. «**یجب علی کل ملکف أن یکون**»، ایشان گفتهاند: هر شخصی مخیّر بین سه حالت است؛ یا مجتهد باشد یعنی خود را به اجتهاد برساند، یا مقلّد باشد یعنی تقلید بکند یا احتیاط بکند. وجوب تخییری مذکور را ایشان به وجوب تخییری تعبیر کردهاند.

اشکال بر کلام مستمسک

اگر به «**کون**» و خود آن ها بخورد که وجوب تأخیری سر نمیرسد، چون در وجوب تخییری مکلّفش یک نفر است، وجوب تخییری برای کیست؟ مثلاً وجوب تخییری بین خصال کفاّرات، میگویید من بین اطعام ستّین و صوم شهرین و عتق رقبه مخیرم، این وجوب تخییری میشود، این جا که «**یجب علی کلّ مکلّف أن یکون مجتهداً أو مقلّدا أو محتاطاً**» چطور شما میگویید تخییری باشد؟ ما در این جا که یک مکلّف نداریم. یعنی یک مکلّف مخیّر است بین این که یا مجتهد یا مقلد یا محتاط باشد؟ سه تا مکلّف هستند. در وجوب تخییری یک مکلّف است و مخیّر بین سه کار است.

---

[1] کلام یکی از دوستان حاضر در جلسه درس

[2] (۱) الوجوب التخييري المذكور من قبيل وجوب الإطاعة، فطري بمناط وجوب دفع الضرر المحتمل، حيث أن في ترك جميع الابدال احتمال الضرر. و عقلي بمناط وجوب شكر المنعم. و لأجل ذلك اختص بصورة احتمال التكليف المنجز، فمع الغفلة عن التكليف، أو احتمال التكليف غير الإلزامي، أو الإلزامي غير المنجز، لم يجب شيء من ذلك، لعدم احتمال الضرر في تركها، و لا هو مما ينافي الشكر الواجب.(مستمسک العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶)

۳.«یکون مجتهداً...»: حدوثی ـ موردی

می‌توانیم به یک معنا حدوثی بگیریم -البته آن هم معنا دارد- آن خوب است، به معنای موردی واقع می‌شود. یعنی «**یجب علی کلّ مکلّف فی عباداته و معاملاته**» موردیّ «**أن یکون مجتهداً**»؛ یعنی «**أن یجتهد**»، مسأله برای او پیش آمده و مجتهد که هست، مقلّد هم که هست، اصلاً کاری به ثبوتی آن ندارید، وجه ثبوتی را کاری ندارید، ما فعلاً که می‌گوییم «**أن یکون مقلّداً أو مجتهداً**»، با وصف حدوثی خارجی کار داریم، موردی.

یعنی الان مسأله «الف» پیش آمده، «**یجب علیه فی هذا الفعل أن یکون مجتهداً**»؛ یعنی «أن یجتهد»؛ «**أو مقلداً**»؛ یعنی «أن یقلّد»؛ «**أو محتاطاً**»؛ یعنی «أن یحتاط». یعنی «یجب أن یجتهد» أو «مقلداً» یعنی یقلّد أو «محتاطاً» یعنی «یحتاط». این، موردی می‌شود نه این که کون ثبوتی نفسی باشد که وصفی باشد، به این معنا که بگوییم تحت قدرتش نیست.

لوازم معنای سوم

آن لوازم خوبی هم دارد که بعداً پیش می‌آید. لذا عرض می‌کنم اگر موردی بگیریم لوازم خوبی دارد.